



فصل نامه تخصصی کتابخانه بزرگ
حضرت آیت الله العظمی مرعشی نجفی (ره)
سال بیست و سوم | شماره ۹۰ | زمستان ۱۳۹۶

تعریف العلوم الادبیه

شمس الدین محمد بن محمود آملی (وفات ۷۵۳ ق)

به کوشش: مهدی بای *

چکیده

متن تعریف شده گفتاری از کتاب نفائس الفنون نوشته شمس الدین محمد آملی (متوفی ۷۵۳ قمری) در این مقاله عرضه شده است. آملی در این رساله علوم ادبی را به پانزده علم تقسیم می کند و در باره آنها توضیح می دهد: خط، لغت، اشتقاق، صرف، نحو، معانی، بیان، بدیع، عروض، قوافی، تعریض، امثال، دواوین، انشاء، استیفاء. ذیل علم انشاء سی مورد از بایسته های این علم را بر می شمرد.

کلید واژه

رده بندی علوم در قرون میانه اسلامی، خواجه نصیرالدین طوسی (۵۹۷ - ۶۷۲ ق) و ناصرالدین بیضاوی (ف ۶۷۵ ق)، شمس الدین محمد آملی (ف ۷۵۳ ق) و نفائس الفنون فی عرائس العیون، تعریف العلوم الأدبیه.

مقدمه

رده بندی علم در تمدن اسلامی همواره مورد توجه فیلسوفان و دیگر اصحاب دانش بوده است. فلاسفه ی مسلمان در قرون میانه اسلامی آثار متعددی در زمینه رده بندی علوم پدید آوردند.

رویکرد غالب بر فلسفه در قرون میانه اسلامی به پیدایش و ترویج کلام فلسفی انجامید. البته باید توجه داشت که همواره گروهی از دانشیان این اعصار به جنبه‌های فلسفی مایلتر بودند و در مقابل گروهی نیز به جنبه‌های کلامی توجه داشتند. خواجه نصیرالدین طوسی (۵۹۷-۶۷۲ ق) و ناصرالدین بیضاوی (ف ۶۸۵ ق) به عنوان نمایندگان این دو نگاه، یکی در قامت دفاع از فلسفه (در مقابل فخر رازی (۹۵۴۴-۶۰۶ ق) و شهرستانی (۴۷۹-۵۴۸ ق)) و دیگری در قامت تثبیت نگاه‌های فخر رازی، در رأس این دو طیف قرار دارند. موضوع رده‌بندی علم توسط هر یک از ایشان مورد توجه قرار گرفت و اختلافات آنها در همین موضوع هم اکنون قابل رصد است.

رده‌بندی علم در آثار طوسی (۵۹۷-۶۷۲ ق) یادآور سنت ارسطویی - سینیوی است که قبل از آن در أقسام الحکمة ابن سینا (۳۷۰-۴۲۸ ق) و غیره دیده می‌شد. اما بیضاوی (ف ۶۸۵ ق) از نگاهی بیرون سنت ارسطویی - سینیوی به این موضوع پرداخته است. از آنجا که رده‌بندی علم مبتنی بر دیدگاه علم‌شناسی منطقی - فلسفی است، لذا می‌بایست همین تفاوت‌های نوپدید را نشان از تفاوت‌های بنیادی در دیدگاه‌های اساسی قلمداد نمود. به هر روی پس از طوسی (۵۹۷-۶۷۲ ق) و بیضاوی (ف ۶۸۵ ق) اتباع مدرسه‌های فکری این دو در خلال قرون میانه اسلامی همچنان به این مسئله پرداخته‌اند.

نمایندگان فلسفه اسلامی در ادامه این مسیر این موضوع را مورد توجه قرار دادند، و گونه‌های مختلفی از نگارش‌ها را به آن اختصاص دادند. دانشنامه نویسی یکی از گونه‌های مورد توجه در این اعصار بود، و دانشنامه‌هایی مانند درة التاج لغرة الدباج اثر قطب‌الدین شیرازی (ف ۷۱۵ ق) و نفائس الفنون في عرائس العیون اثر شمس‌الدین محمد بن محمود آملی (ف ۷۵۳ ق) در این عصر پدید آمدند.

آملی (ف ۷۵۳ ق) از پرورش یافتگان حوزه علمی - فلسفی آذربایجان است. وی پس از فروپاشی حکومت ایلخانان بزرگ با مرگ ابوسعید (ف ۷۳۶/۴/۱۳ ق)، به شیراز که در آن زمان توسط آل‌اینجو اداره می‌شد مهاجرت کرد و مورد استقبال قرار گرفت. از همین رو می‌توان او را از زمینه‌سازان شکل‌گیری حوزه کلامی - فلسفی شیراز به شمار آورد. همچنین رابطه او و معاصران و اخلافش با تشیع از نکات بررسیدنی در تاریخ این حوزه کلامی - فلسفی می‌باشد.

طرحواره آملی در رده‌بندی علوم ادبی تفاوت بارزی با طرحواره‌های پیش از او دارد، از همین رو می‌توان اثر سبک او را در نویسندگان پس از وی به راحتی ردیابی کرد. رساله پیش رو نمونه‌ای است از اقتباسات صورت گرفته از این طرحواره که می‌بایست در عصر قاجار صورت گرفته باشد.

نام این رساله در تمامی دستنوشته‌های آن رساله فی تعریف العلوم الأدبیه آمده است، اما نامی از مؤلف و زمان تألیف آن در دست نیست. هر چند قدیمترین دستنوشته این رساله (دستنوشته با رمز ع) تاریخ ۱۲۴۸ ق را نشان می‌دهد و در کنار مجموعه رسائلی از محمد جعفر بن سیف‌الدین استرآبادی (۱۱۹۸ - ۱۲۶۳ ق) قرار دارد و می‌دانیم که وی به این قبیل مطالعات ادبی علاقه مند بوده است و مدائن العلوم و رساله فی بیان قواعد العلوم العربیه الأدبیه و المنطقیه را از روی همین علاقه نگاشته، اما نمی‌توان به جزم این رساله را از آن وی دانست، و تاریخ تألیف آن را مشخص نمود، با توجه به اینکه دستنوشته‌های نفائس الفنون بیشتر مربوط به قرن ۱۱، ۱۲، ۱۳ ق است و نشانگر توجهی خاص در این دورانها به این کتاب است و نگارش این رساله هم با توجه به آخرین تاریخ نگارشی که از آن داریم میتواند مربوط به همین دورانها باشد. این رساله در حقیقت تعریب و تلخیص «مقاله اولی در علوم ادبی» از کتاب نفائس الفنون است که در آن پانزده علم ادبی نام برده و اجمالاً تحریر شده‌اند.

در نگاه آملی (ف ۷۵۳ ق) علوم ادبی از اتباع علوم فرعیه دینی محسوب می‌شوند، وی پس از تقسیم علوم به حکمی و غیر حکمی، و غیر حکمی به دینی و غیر دینی راجع به اقسام علوم دینی چنین می‌نویسد:

«و علوم غیر حکمی منقسم شود بدو قسم: دینی و غیر دینی، و علوم دینی یا عقلی اند یا نقلی یا مرکب از هر دو و بعضی قسم اخیر را بواسطه تقدّم عقل بر نقل از عقلی گیرند و بعضی بنابر آنکه، مرکب از ظنی و غیر ظنی، ظنی باشد، از نقلی. فی الجمله هر آنچه آن را بدلیل عقل اثبات توان کرد، خواه بنقل نیز اثبات آن توان کرد و خواه نه، آن را اصول دین خوانند، و هر آنچه اثبات او جز به نقل نتوان کرد فروع، و اصول دین را چهار قسم نهاده‌اند: اول معرفت ذات باری تعالی و تقدّس. دوم معرفت صفات او. سیم معرفت افعال او. چهارم معرفت نبوت و



امامت و حکمت در آن، و فروع یا مقصودند یا تبع؛ مقصود را چهار قسم نهادند: علم کتاب، علم اخبار، علم اصول فقه، علم فروع فقه، و تبع یا آلات اند یا متممات و محسنات، آلات همچو علوم ادبی، و متممات و محسنات همچو بقیه علوم شرعی و تصوف.^۱

وی در یک تقسیم ثانوی علوم را به اواخر و اوایل تقسیم میکند و در ترتیب کتاب علوم اواخر را به «جهت نسبت او با اهل اسلام»^۲ مقدم کرده است و در بیان ترتیب علوم اواخر و جایگاه علوم ادبی در این کتاب میگوید:

«قسم اول از کتاب نفایس الفنون فی عرایس العیون در علوم اواخر متضمن هشتاد و پنج علم که آن بر سی و شش فن نهاده شد، چنانچه بدان اشارت افتد هر چند در عدد بعضی از آن در علوم اواخر نظر است، مرتب بر چهار مقاله است:

مقاله اولی در ادبیات مشتمل بر پانزده فن: علم خط، علم لغت، علم اشتقاق علم تصریف، علم نحو، علم معانی، علم بیان، علم بدیع، علم عروض، علم قوافی، علم قریض، علم شعر، علم دواوین، علم امثال، علم انشا، علم استیفا.»^۳

شیوه‌ی کار و معرفی دستنوشته‌ها

این رساله بر بنیاد چهار دستنوشته به گونه‌ای تلفیقی تصحیح شده است؛ این دستنوشته‌ها ذیلاً شناسانده می‌شوند:

۱. دستنوشته مندرج در مجموعه‌ی ۱۵۲۲۷ کتابخانه‌ی بزرگ حضرت آیت‌الله مرعشی نجفی از برگ ۲ - ۴. خط: نستعلیق، بی نام کاتب، تاریخ کتابت: ۴ ربیع الأول ۱۲۴۸ ق / ۹ مرداد ۱۲۱۱ ش؛ نوع کاغذ: فرنگی، حدود ۴۰ سطر مورّب.^۴ این دستنوشته با رمز «ع» مشخص شده است.

۱ شمس‌الدین محمد بن محمود آملی (ف ۷۵۳ ه. ق)، نفائس الفنون فی عرائس العیون، تصحیح و تحشیه‌ی میرزا ابوالحسن شعرانی (۱۳۲۰ - ۱۳۹۳ ه. ق) (ج ۱ و ۳) و تصحیح سید ابراهیم میانجی (ج ۲)، تهران، ۱۳۸۳ ه. ش / ۱۳۴۲ ه. ق.

۲ همان، ج ۱ ص ۱۶.

۳ همان، ج ۱ ص ۱۶.

۴ این دستنوشته پیش از این در اینجا معرفی شده است: فهرست کتابخانه بزرگ حضرت آیه‌الله العظمی مرعشی نجفی (گنجینه جهانی مخطوطات اسلامی) سید محمود مرعشی با همکاری محمد حسین امینی. چاپ اول: قم، ستاره (۱۳۸۸ ه. ش / ۱۴۳۰ ه. ق) ج ۳۸ ص ۶۴۷.



۲. دستنوشست مندرج در مجموعه‌ی ۲۸۳۰ کتابخانه‌ی مرکزی و مرکز اسناد دانشگاه تهران از صفحه ۲۷۰ - ۲۷۴. خط: نستعلیق، کاتب: عبدالصمد بن حسین بن محمد شوشتری که در مدرسه جدّه اصفهان کتابت کرده است، تاریخ کتابت: ۲۸ صفر ۱۲۸۱ ق / ۱۰ مرداد ۱۲۴۳ ش؛ ۱۷ سطر ۹ × ۱۴، قطع: ۱۶ - ۲۱/۵ نوع کاغذ: فرنگی، نوع جلد: مقوّا. این دستنوشست با رمز «دا ۱» نشانه‌گذاری شده است.^{۱-۲}
۳. دستنوشست مندرج در مجموعه ۶۵۳۰ کتابخانه و مرکز اسناد دانشگاه تهران از برگ ۵۴۰ - ۵۴۹. خط: نسخ، کاتب: محمدتقی بن علی بن موسی بن جعفر بن محمد بن علی استرآبادی ملقب به جناب استرآبادی، دارای حواشی توضیحی و عباراتی بیشتر نسبت به سایر نسخ می‌باشد، تاریخ کتابت: دهه‌ی سوم صفر ۱۳۵۷ ق / ۱۳۱۷ ش؛ ۱۳ × ۲۱، ۱۷ سطر ۹ × ۱۷، کاغذ: فرنگی، جلد: تیماج زرکوب ضربی مقوایی، قطع: ربعی. این نسخه با رمز «دا ۲» نشانه‌گذاری شده است.^۳
۴. دستنوشست مندرج در مجموعه‌ی ۱۶۷ مرکز احیاء میراث اسلامی از برگ ۱ - ۳. خط: نسخ، بی نام کاتب، جلد: تیماج قهوه‌ای، ۱۱۵ برگ، اندازه: ۱۱ × ۱۵/۵ سانتی متر. این دستنوشست با رمز «م» نشانه‌گذاری شده است.^۴

۱ این دستنوشست پیش از این در اینجا معرفی شده است: فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد دانشگاه تهران. محمدتقی دانش‌پژوه (ف ۱۳۷۵ ه.ش). مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران. ۱۳۴۰ - ۱۳۵۷ ه.ش، ج ۱۰ ص ۱۶۷۰.

۲ در فهرستواره دست‌نوشته‌های ایران (دنا) و در فهرستگان نسخه‌های خطی ایران (فنخا) در گزارش این دستنوشست آمده است که در آن از ۱۴ علم سخن می‌گوید در صورتی که در ابتدای نسخه تصریح شده که «فی تعریف العلوم الأدبیه و هی خمسة عشر» و در متن هم ۱۵ علم ذکر شده است و همچنین این نگاشته را بدون تاریخ ذکر کرده‌اند اما در آخر نسخه تاریخ آن بیان شده است. نگر: فهرستواره دست‌نوشته‌های ایران (دنا)، مصطفی درایتی، مؤسسه فرهنگی - پژوهشی الجواد، ج ۳ صص ۴۲ - ۴۳؛ نگر: فهرستگان نسخه‌های خطی ایران (فنخا)، به کوشش مصطفی درایتی. چاپ اول: تهران، سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۹۱ ه.ش.

۳ این دستنوشست پیش از این در اینجا معرفی شده است: فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد دانشگاه تهران. محمدتقی دانش‌پژوه (ف ۱۳۷۵ ه.ش). مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران. ۱۳۵۷ - ۱۳۴۰ ه.ش. ج ۱۶ ص ۲۸۶.

۴ این دستنوشست پیش از این در اینجا معرفی شده است: فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد دانشگاه تهران. محمدتقی دانش‌پژوه (ف ۱۳۷۵ ه.ش). مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران. ۱۳۵۷ - ۱۳۴۰ ه.ش.

رسالة في تعريف العلوم الادبية

بسم الله الرحمن الرحيم و به نستعين؛ الحمد لله رب العالمين و الصلوة والسلام على خير خلقه محمد وآله أجمعين.

أما بعد، فهذه رسالة في تعريف العلوم الأدبية وهي خمسة عشر:

الأول: علم الخط، وهو عبارة عن معرفة تصوير الألفاظ بحروف الهجاء بمعرفة الكيفية والتركيب والأحوال العارضة لها باعتبار الكتابة. وهو علم شريف كما قال - عليه السلام -: «عليكم بحسن الخط فإنه مفاتيح الرزق»،^١ ونعم ما قال:

كفى قلم الكتاب مجداً ورفعة مدي الدهر أن الله أقسم بالقلم^٢

الثاني: علم اللغة، وهو عبارة عن معرفة مدلولات الكلمات مطلقاً وكيفية أوضاعها.

والغالب فيه البحث عن المعاني الإفرادية المادية.

وفي الواضع أقوال أربعة، بل خمسة؛ قيل: هو الله - تعالى - وهو المحكي عن الشيخ أبي الحسن الأشعري [ق ٣٢٤ ق]^٣ وأتباعه ويسمى توقيفياً، لتوقف العلم به على الوحي، أو إيجاد الحروف والأصوات في جسم يسمع الإنسان منه: «إن اللفظ الفلاني موضوع للمعنى الفلاني»، أو خلق علم ضروري في واحد من أفراد الإنسان أو أكثر، ليعلم الوضع ويعلمه. ولهم وجوه: منها قوله تعالى: «وَعَلَّمَ آدَمَ الْأَسْمَاءَ كُلَّهَا»^٤ إذ المراد اللغات؛ ومنها قوله تعالى: «وَمِنْ آيَاتِهِ خَلْقُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَاخْتِلَافُ أَلْسِنَتِكُمْ وَأَلْوَانِكُمْ»^٥ إذ المراد ليس

٥. ش. ج ١٦ ص ٢٨٦.

١ الحديث موضوع؛ راجع: الرواشح السماوية في شرح الأحاديث الإمامية، محمد باقر بن شمس الدين بن محمد حسيني استرآبادي (ميرداماد) (ف ١٠٤١ هـ. ق). الطبعة الأولى: قم، ١٣١١ ق، ص ٢٠٢؛ الموضوعات، رضي الدين حسن بن محمد بن حسن بن حيدرالصغاني الحنفي (ف ٥٦٥ هـ. ق)، تحقيق نجم عبد الرحمن خلف، الطبعة الثانية: دمشق، دار المأمون للتراث، (١٤٠٥ ق)، ص ٤٠، ح ٤٣.

٢ راجع: ديوان أبي الفتح البستي، أبي الفتح علي بن محمد بن حسين بن يوسف بن محمد بن عبدالعزيز الكاتب البستي الشافعي (ف ٤٠٠ هـ. ق)، تحقيق شاعر العاشور، الطبعة الثانية: دمشق، دار الينابيع (٢٠٠٨ م)، ص ٤٤٣.

٣ راجع: الأعلام، خير الدين بن محمود بن محمد بن علي بن فارس الزركلي الدمشقي (ف ١٣٩٦ هـ. ق)، الطبعة الخامسة عشر: [بيروت؟]، دار العلم للملايين، (٢٠٠٢ م)، ج ٤ ص ٢٦٣.

٤ البقرة (٢): ٣١.

٥ الرّوم (٣٠): ٢٢.

الإختلاف^١ في نفس الألسنة، لعدم الإختلاف فيه، بل المراد اللغات استعمالاً^٢ لسبب في المسبب؛ ومنها: أنه لا يمكن الوضع لغيره تعالى إذ على هذا تنبيه^٣ كل للآخر على لغته إما أن يكون بتلك اللغة أو بغيرها، والأول يستلزم الدور والثاني التسلسل. وأجيب عن الأول بأن المراد من الأسماء المسميات، حيث قال: «عرضهم» لا عرضها،^٤ فالمعنى علم آدم فوائده الأشياء، كالفرس للركوب والبقر للزرع والبعير للحمل ونحو ذلك، والمراد من التعليم إلهام الإحتياج إلى وضع الألفاظ للدلالة على المعاني؛ وعن الثاني باحتمال كون المراد إقدار الناس على وضع اللغات المختلفة؛ وعن الثالث بإمكان التعليم بالترديد بالقرائن كما في الأطفال.

وقيل: الواضع هو الإنسان وهو المحكي عن أبي هاشم (ف ٣٢١ ق) ° وأتباعه، ووجهه أنّ الوضع لو لم يكن بالإصطلاح؛ بل كان توقيفياً لأحتاج^٥ إلى الوحي أو خلق علم ضروري، وكلاهما فاسدان؛ أما الأول فلا يستلزمه بعث الرّسل على اللغة وليس كذلك، بل هو مؤخر^٦ لقوله تعالى: {وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ رَسُولٍ إِلَّا بِلِسَانِ قَوْمِهِ} ^٧ وأما الثاني فلأنّ خلق العلم الضروري في غير العاقل بعيد وفي العاقل يستلزم عدم كونه مكلفاً.

وأجيب بأنّ الآية غير باقية على عمومها وإلا يلزم إرسال آدم إلى قومه^٨ بلسانه وليس كذلك وحينئذ فيجوز^٩ كون الوحي إلى بعض الأنبياء بعد آدم. سلّمنا لكن يجوز أن يكون خلق العلم ضرورياً^{١٠} في عاقل وغاية ما في الباب سقوط التّكليف بالمعرفة لامطلقاً.

١ م: الآية.

٢ دا: إختلاف.

٣ م و دا: ١: أطلع.

٤ دا ٢ (الحاشية): فإنّ المراد من الأسماء لو كان نفسها لزم أن يقول، «عرضها» لأنها مؤنثات غير عاقلة وأما إذا كان المراد المسميات وهم عقلاء صحّ أن يقول: «عرضهم».

٥ راجع: الأعلام، خير الدّين بن محمود بن محمّد بن علي بن فارس الزّركليّ الدّمشقيّ (ف ١٣٩٦هـ.ق)، ج ٤ ص ٧.

٦ دا ١: أنه لو لم يكن توقيفياً لأحتاج.

٧ دا ١: متأخر.

٨ إبراهيم (١٤): ٤.

٩ م: قوم.

١٠ في جميع النسخ: لا يجوز ولكنّ الصحيح ما أثبتناه.

١١ ع: الضروري.

وقيل: ما لا بدّ منه في التنبيه على الإصطلاح بالوضع من الحق وما عداه يمكن أن يكون من الحق ويمكن أن يكون من الخلق، وهو المحكيّ عن أبي إسحاق (ف ٤١٨ ق) 'ومن يحدو حدوه؛ ووجهه يعلم ممّا سبق.

وقيل: بالعكس.

وقيل: بالتوقف لا مكان الجميع عقلاً وعدم ما يعين البعض^١، وهو المحكيّ عن القاضي أبي بكر (ف ٤٠٣ ق) ٣-٤ - وعلم الهدى (ف ٤٣٦ ق) ٥-٦ .

وفائدة الوضع رفع احتياج المحتاج إلى التفهيم والتفهّم.^٧

والثالث: علم الإشتقاق، وهو علم يعرف به كيفية تحويل الأصل الواحد إلى أمثلة مختلفة لمعان مقصودة.

والرابع: علم الصّرف وهو علم يعرف به أحوال ذوات الكلمة صحّتاً واعتلالاً.

والخامس: علم التّحو، وهو علم يعرف به أحوال أواخر الكلمة^٨ إعراباً وبناءً.

والسادس: علم المعاني وهو علم يعرف به خواصّ تراكيب كلمات البلغاء وما يتّصل به من الإستحسان وغيره، ليؤمن من الخطاء في تطبيق الكلام لمقتضى الحال. والمراد من الخواصّ ما يتبادر من الكلام الصادر من البليغ عند سماعه لا ما يلزمه ولو صدر من غير البليغ.^٩ والمراد من الحال ما يكون داعياً إلى التكلّم. والمراد من مقتضى الحال على وجه

١ راجع: الأعلام، خير الدّين بن محمود بن محمّد بن علي بن فارس الزّركليّ الدّمشقيّ (ف ١٣٩٦ ق)، ج ١ ص ٦١. في غير: الوضع.

٢ راجع: الأعلام، خير الدّين بن محمود بن محمّد بن علي بن فارس الزّركليّ الدّمشقيّ (ف ١٣٩٦ ق)، ص ٦ ج ١٧٦.

٣ راجع: التقريب والإرشاد، أبي بكر محمّد بن طيّب الباقلاّنيّ (ف ٤٠٣ ق). تقديم، تحقيق وتعليق عبد الحميد بن عليّ أبو زنيد، الطّبعة الثّانية: بيروت - لبنان، مؤسّسة الرّسالة، (١٤١٨ ق)، ج ١ ص ٣٢٠.

٤ راجع: الأعيان الشّيعية، السيّد محسن الأمين العامليّ (ف ١٣٧١ ق)، بيروت، دار التعارف للمطبوعات. (ت ١٤٠٦ ق)، ج ٨ صص ٢١٣ - ٢١٩.

٥ راجع: الإحكام في أصول الأحكام، أبو الحسن سيّد الدّين علي بن أبي علي بن محمّد بن سالم الثعلبيّ الأمدى (ف ٦٣١ ق)، تحقيق عبد الرّزاق عفيفي، بيروت - دمشق - لبنان، المكتب الإسلام. بي تا، ج ١ ص ٧٤؛ المحصول، أبو عبد الله محمّد بن عمر بن الحسن بن الحسين فخر الدّين الرّازي (ف ٦٠٦ ق)، تحقيق طه جابر فياض العلوانى، الطّبعة الثّالثة: بيروت، مؤسّسة الرّسالة. ١٤١٨ هـ. ق، ج ١ ص ١٨١.

٦ دا ١: إلى الفهم.

٧ دا ١: أبنيّة الكلم.

٨ دا ١: لا ما يلزمه ولو صدر من غير البليغ.

يوافق المقام، كالتأكيد في صورة الشدة مثلاً^١.

السابع: علم البيان، وهو ما يقتدر به على إيراد معنى واحد بطرق مختلفة في الوضوح ليحترز عن [الخطأ في] تطبيق الكلام على وجه يتم به المرام.

الثامن: علم البديع، وهو علم يعرف به فصاحة التراكيب ويحترز عن الخطأ في التطبيق ويزين به الألفاظ على وجه يكون قريباً إلى الفهم وقريب النظام^٢ وعذب الإستماع وعجيب الإبتداع.

التاسع: علم العروض، وهو ما يعرف به أحوال مجور الأشعار وأوزانه. والمراد من البحر وزن مخصوص يحصل من أركان مخصوصة^٣، ومن الشعر كلام موزون يصدر عن قصد، ويسمى بيتاً أيضاً لأن قوام بيوت أهل البادية كان^٤ بثلاثة أشياء: الحبل والوتد وما يقوم بهما، وقوام الشعر أيضاً بثلاثة أشياء: السبب والوتد والفاصلة؛ والسبب عبارة عن حرفين يكون أولهما متحركاً، فإن كان الثاني ساكناً يسمى سبباً خفيفاً كمن وإلا سبباً ثقيلاً، والوتد عبارة عن ثلاثة حروف يتحرك إثنان منها ولا بد من كون الأول متحركاً لتعدّر الإبتداء بالسّاكن، فإن كان الثاني أيضاً متحركاً يسمى وتداً مجموعاً، نحو علن وإن كان الثالث متحركاً يسمى وتداً مفروقاً، نحو لآت؛ والفاصلة عبارة عن لفظ حاصل من سبب ثقيل وضعيف^٥ أو من السبب الثقيل والوتد المجموع والأول يسمى فاصلة صغرى،

محرر

عريف العلوم الأدبية



١ ٢ دا: + لأن المتكلم لا بد أن يزداد إصراراً كلما ازداد مخاطبه إنكاراً كما في آيات أوائل سورة يس معنى: وَاضْرِبْ لَهُمْ مَثَلًا أَصْحَابَ الْقَرْيَةِ إِذْ جَاءَهَا الْمُرْسَلُونَ (١٣) إِذْ أَرْسَلْنَا إِلَيْهِمُ اثْنَيْنِ فَكَذَّبُوهُمَا فَعَزَّزْنَا بِثَالِثٍ فَقَالُوا إِنَّا إِلَيْكُمْ مُرْسَلُونَ (١٤) قَالُوا مَا أَنْتُمْ إِلَّا بَشَرٌ مِثْلُنَا وَمَا أَنْزَلَ الرَّحْمَانُ مِنْ شَيْءٍ إِنْ أَنْتُمْ إِلَّا تَكْذُوبُونَ (١٥) قَالُوا رَبُّنَا يَعْلَمُ إِنَّا إِلَيْكُمْ لَمُرْسَلُونَ (١٦) حيث قال أولاً (أَرْسَلْنَا إِلَيْهِمُ اثْنَيْنِ) فأتى بالجملة الفعلية بلا تأكيد و ثانياً (إِنَّا إِلَيْكُمْ مُرْسَلُونَ) فأتى بالجملة الإسمية مؤكدة بتأكيد واحد وثالثاً (رَبُّنَا يَعْلَمُ إِنَّا إِلَيْكُمْ لَمُرْسَلُونَ) فأتى بالجملة الإسمية مؤكدة بالقسم وإن واللام.

٢ كذا ذكر في النسخ ولكن ذكر في النفاثس «غريب النظام» وهذا هو الأرجح. راجع: نفاثس الفنون في عرائس العيون، شمس الدين محمد بن محمود آملی (ف-٧٥٣ ق)، محقق و مصحح أبوالحسن شعرانی، تهران، اسلامیه، (١٣٨١ هـ.ش)، ج ١ ص ١٠٢.

٣ ١ دا: يحصل به أركان مخصوصة.

٤ ١ دا و ٢ دا: - كان.

٥ في جميع النسخ: «من سبب ثقيل أو ضعيف» ولكن الصحيح ما ذكر في النفاثس بأن الفاصلة حاصلة من سبب ثقيل وخفيف. راجع: نفاثس الفنون في عرائس العيون، شمس الدين محمد بن محمود آملی (ف-٧٥٣ ق)، ج ١ ص ١٣١.

نحو فَعِلُنْ، والثاني كبرى، نحو فَعِلْتُنْ.

ويسمى الركن الأول من المصراع الأول صدرًا والآخر منه عروضا، والركن الأول من المصراع الثاني ابتداءً والآخر منه ضرباً. ويعتبر في التقطيع ' بالحروف الملفوظ لا المكتوب. العاشر: علم القوافي، وهو ' ما يعرف به أحوال قافية الأشعار. والقافية عند الأخفش (ف ٢١٥ ق) - على ما حكى عنه - عبارة عن الكلمة الأخيرة من البيت، وعن الخليل (ف ١٧٠ ق) والقطرب (ف ٢٠٦ ق) أنها عبارة عن الحرف الروي الذي يتكرر به الشعر. ^٣ وأورد باستلزامه عدم لزوم تكرار عدا الروي، وعن أبي الحسن محمد بن الحسن ^٤ أنها عبارة من حروف وحركات تكون إعادتها في الأبيات لازمة.

الحادي عشر: علم التقريض، ويسمى قرَض الشعر وهو ما يعرف به كيفية إنشاء الشعر ومواقعه، وأول من أنشأ الأشعار الفارسية بهرام كور عند الصباوة حين كان عند نعمان بن منذر، ملك يمن وزوجه بنته؛ ^٥ وأول من أنشأ الأشعار العربية - على ما حكى - يعرب بن قحطان، ^٦ وقيل كاتب هود عليه السلام ^٧ وقيل آدم عليه السلام في مريثة هابيل عند قتل قابيل له.

الثاني عشر: علم الأمثال، وهو علم يعرف به الأقوال السائرة التي تقال عند ظهور الحادثة [إمّا] ^٨ لتمثيل حال مجال أو لغرابتها كقولهم: «تَسْمَعُ بِالْمُعَيْدِيِّ خَيْرٌ مِنْ أَنْ تَرَاهُ» و«توبَةُ الجاني إِعْتِذَارُهُ» وكقولهم: «مضى ما مضى» و«في الصَّيْفِ صَيَّعَتِ اللَّبَنُ» وقولهم: «النُّصْحُ بَيْنَ الْمَلَأِ

١ دا ١: بالتقطيع.

٢ دا ١: + علم.

٣ لأقف على قول الخليل (ف ١٧٠ ق) والقطرب (ف ٢٠٦ ق).

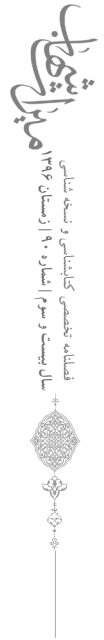
٤ كذا في النسخ كلها، وفي المطبوعة من النفائس أبي الحسن محمد بن كيسان، ثم أنا راجعنا كتاب تلقيب القوافي لابن كيسان فلم يوجد فيه هذا القول. راجع: جزرة الحاطب و تحفة الطالب (هو يشتمل على مجموع رسائل منهم: تلقيب القوافي و تلقيب حركاتها لـ أبي الحسن محمد بن أحمد بن إبراهيم بن كيسان (ف ٢٩٩ ق)، تحقيق ويليام رايت، ليدن ١٨٥٩ م / ١٢٥٧ هـ.ق.

٥ دا ٢: + حيث قال: منم أن بهرام كور/ منم أن شير يله/ نام من بهرام كور/ كنيتم بوجبله.

٦ راجع: الأعلام، خير الدين بن محمود بن محمد بن علي بن فارس الزركليّ الدمشقي (ف ١٣٩٦ ق)، ج ٨ ص ١٩٢.

٧ وهو جليجان بن أدهم كما ذكر في النفائس الفنون في عرائس العيون، شمس الدين محمد بن محمود أملي (ف ٧٥٣ ق)، ج ١ ص ١٦٨.

٨ في جميع النسخ (أو) ولكنّ الصحيح ما أثبتناه.



تَقْرِيعٌ» و«وَعَدُّ الْكَرِيمِ أَلْزَمُ مِنْ دَيْنِ الْغَرِيمِ» و«لَا تَأْكُلْ خَبْرَكَ عَلَى مَائِدَةِ غَيْرِكَ».
 الثالث عشر: الدواوين، وهو ما يعرف به الأشعار المدونة والتراكيب المصنوعة والإعراب
 والبناء وسائر الرموز والإشارة وعموم اللطائف والمناسبات كالعلم بالمناجات المنسوبة إلى
 أمير المؤمنين عليه السلام:

لَكَ الْحَمْدُ يَا ذَا الْجُودِ وَالْمَجْدِ وَالْعُلَى تَبَارَكْتَ تُعْطِي مَنْ تَشَاءُ وَتَمْنَعُ^١

والعلم بالأشعار الواردة في المدائح ونحوها.

الرابع عشر: علم الإنشاء وهو ما يعرف به كيفية إخبار الغائب بما في الضمير^٢ على
 وجه التحريم^٣ بعبارة مقبولة ومراعات أمور معهودة في الكتب حتى يحصل به تزيين
 الكلام ولا بد فيه من أمور:

الأول: معرفة اللغات والأشعار والأمثال وأنحاء تراكيب البلغاء لتوفيق التزيين على
 التمثيل والإستعارات.

الثاني: معرفة كيفية قطع الأقلام ونحتها.^٤

الثالث: أن يبتدأ في المكتوب بإسم الله تعالى.

الرابع: تقليل إخفاء الحروف كما نقل إنَّ عاملاً من عمال عمر^٥ كتب إليه كتابة أخفى
 فيها السين في بسم الله، فأعزله عمر وقال: «من خان في بسم الله لم يصلح لتولية أمور
 المسلمين».^٦

الخامس: تسوية السطور، خصوصاً في الأوائل.

السادس: تكثير البياض قبل الكتابة وجعل القرطاس كبيراً والخَطَّ جلياً ونحو ذلك

١ شرح ديوان منسوب به أمير المؤمنين علي بن أبي طالب، قاضي كمال الدين ميرحسين بن معين الدين ميبدي يزدى
 (فـ ٩٠٩ ق)، مقدمه و تصحيح حسن رحمانى و سيد ابراهيم اشك شيرين، تهران: مركز پژوهشى ميراث مكتوب
 (١٣٩٠ هـ.ش - ١٤٣٢ هـ.ق)، ص ٢٦٢.

٢ دا ١: عَمَّا فِي الضَّمِيرِ.

٣ كذا ذكر في جميع النسخ ولكن الصحيح - على الظاهر - «التحرير». راجع: نفائس الفنون في عرائس العيون، شمس
 الدين محمد بن محمود أملى (فـ ٧٥٣ ق)، ج ١ ص ٢٧٥.

٤ دا ١ و دا ٢: _ ونحتها.

٥ دا ١: + عليه اللعنة.

٦ نقل هذه الحكاية في المصادر بصورة أخرى. راجع: أدب الكتاب، أبو بكر محمد بن يحيى الصولى (فـ ٣٣٥ ق)،
 حققه و صححه محمد بهجة الأثري و محمود شكري الألوسي، بغداد - القاهرة، المكتبة العربية - المطبعة السلفية،
 ١٣٤١ ق، ص ٣٥.



إن كان المكتوب إليه أعلى مرتبة من الكاتب.
 السابع: ذكر الألقاب والأدعية اللائقة بحال المكتوب إليه، لئلا يحمل على جهل الكاتب.
 الثامن: جعل آخر السطر مائلاً إلى الفوق أو مساوياً لما فوقه، خروجاً عن طريقة اليهود.
 التاسع: إيراد أدعية كثيرة مناسبة للمقام.
 العاشر: ترك التكرار في الألفاظ.
 الحادي عشر: الإجتنا ب عن الكلمات الركيكة.
 الثاني عشر: رعاية المناسبة بين الإبتداء والوسط والإنتهاء ليحصل الترقى في إعتقاد القاري إلى الوصول إلى التمام.
 الثالث عشر: الإجتنا ب عن الألفاظ المشتركة بين المدح والذم والموهمة للذم.
 الرابع عشر: مراعات رسم الخط.
 الخامس عشر: الإجتنا ب عن وضع النقط^١ والإعراب الكثيرة على الخط.
 السادس عشر: أن لا يكتب على ظهر المكتوب إلى الأعلى.
 السابع عشر: تعيين مدّة التاريخ، إذا كان المكتوب إلى البعيد مسافّةً.
 الثامن عشر: ملاحظة المكتوب بعد الفراغ من الكتابة، لتصحيح ما سقط سهواً.
 التاسع عشر: أن لا يجعل القلم عند الحك^٢ والإصلاح في الفم؛ فقد روي عن النبي صلى الله عليه وآله أنه قال: ضع القلم على أذنيك فإنّه أذكر للمال^٣.
 العشرون: ثبت أسامي الأكابر والأعاضم على الفوق جانب اليمين^٤ وترك بياض ما في موضع ذكر^٥ إسمه.
 الحادي والعشرون: الإجتنا ب عن السب^٦ لتعدّر الإعذار بعده.

١ دا: اللفظ.

٢ دا: _ الحك.

٣ دا: ٢. الحال.

٤ راجع: عيون الاخبار، أبو محمّد عبد الله بن مسلم بن قتيبة الدينوري (ف٢٦٧ ق)، حقه و صححه يوسف علي طويل، بيروت، دارالكتب العلمية، ١٤١٨ هـ. ق، ج ١ ص ١٠٢. ثبت في هنا «فإنّه أذكر للمملّى به».

٥ م: يمين.

٦ دا: ١. _ ذكر.

٧ ذكر في جميع النسخ «السب» ولكنّ الصحيح «السب». راجع: نفائس الفنون في عرائس العيون، أملى، شمس الدين محمّد بن محمود (ف٧٥٣ ق)، ج ١ ص ٢٧٨.

الثاني والعشرون: رَشَّ التُّرابِ على الكتابة فإنه أنجح للحاجة كما في الحديث.^١
الثالث والعشرون: ختم المكتوب.

الرابع والعشرون: كتابة العنوان ليعلم المكتوب إليه.

الخامس والعشرون: وضع المكتوب على الأرض ليحمل الحامل، لا إعطائه بيده كما روى عن النبي صلى الله عليه وآله أنه فعل كذلك فيما كتبه إلى التجاشي فأسلم ولم يفعل كذلك فيما أرسله إلى پرويز، فلما وصل إليه، قدّه وألقاه ولم يلتفت إليه.

السادس والعشرون: تحقير نفسه عند تعظيم المكتوب إليه.

السابع والعشرون: أن لا يلتفت من الغائب إلى الحاضر إلا في موضع يحسن فيه الإلتفات.

الثامن والعشرون: أن لا يربّع المكتوب لأنّ الربيع من النظرات المنحوسة ويشبه المكتوب بالتعش.

التاسع والعشرون: أن لا يصرّح بإسم النساء مهما أمكن ولا يظهر الإشتياق إليهنّ.
الثلاثون: ترك ذكر الإشتياق إذا كان الكتابة إلى السلاطين وكذا ترك المبالغة في الإستعارات والعبارات.

الخامس عشر: علم الإستيفاء، وهو علم بقواعد يعرف بها كيفية [ضبط] الدخل والخرج^٢ في أموال الملوك وكمية المحاسبات. وقد روي أنّ أمير المؤمنين عليه السلام إستخرج تلك القواعد من آية «إِنَّ عِدَّةَ الشُّهُورِ عِنْدَ اللَّهِ اثْنَا عَشَرَ شَهْرًا»^٣ لعمال البصرة، حذرًا من وقوع الغفلة في أموال الفقراء والمساكين.
وقانا الله عن الغفلة في أمر الدين.

١ الجامع الكبير (سنن الترمذي)، أبو عيسى محمد بن عيسى بن سؤرة بن موسى بن الضحاك الترمذي (ف٢٧٩ق)، ج ٤ ص ٣٦٣.

٢ في جميع النسخ «كيفية الضبط و الدخل و الخرج» و بطلان العبارة واضح.
٣ التوبة (٩): ٣٦.

١. الإحكام في أصول الأحكام، أبو الحسن علي بن أبي علي بن محمد الثعلبي الأمدي (ف ٦٣١ق)، تحقيق عبد الرزاق عفيفي، بيروت - دمشق، المكتب الإسلام. بي. تا. ج ٤.
٢. أدب الكتاب، أبو بكر محمد بن يحيى الصولي (ف ٣٣٥ ق)، حققه وصححه محمد بهجة الأثري ومحمود شكري الألوسي، بغداد - القاهرة، المكتبة العربية - المطبعة السلفية، ١٣٤١ ق.
٣. الأعلام، خير الدين بن محمود بن محمد الزركليّ الدمشقي (ف ١٣٩٦ق)، الطبعة الخامسة عشر: [بيروت؟]، دار العلم للملايين، ٢٠٠٢ م. ج ٨.
٤. أعيان الشيعة، السيّد محسن الأمين العاملي (ف ١٣٧١ ق)، بيروت، دار التعارف للمطبوعات، ١٤٠٦ ق، ج ١١.
٥. التقريب والإرشاد (الصغير)، أبي بكر محمد بن طيّب (ف ٤٠٣ ق)، تقديم، تحقيق، تعليق: عبد الحميد بن عليّ أبو زنيد، الطبعة الثانية: بيروت - لبنان، مؤسسة الرسالة، ١٤١٨ ق، ج ٣.
٦. الجامع الكبير (سنن الترمذي)، أبو عيسى محمد بن عيسى الترمذي (ف ٢٧٩ ق)، تحقيق بشار عواد معروف، بيروت، دار الغرب الإسلامي، ١٩٩٨ م.
٧. جرزة الحاطب وتحفة الطالب، أبو الحسن محمد بن أحمد بن ابراهيم بن كيسان (ف ٢٩٩ ق)، تحقيق ويليام رايت، ليدن ١٨٥٩ م / ١٢٥٧ ق.
٨. ديوان أبي الفتح البستي، أبو الفتح عليّ بن محمد بن الحسين الكاتب البستي الشافعي (ف ٤٠٠ ق)، تحقيق شاکر العاشور، الطبعة الثانية: دمشق، دار الينابيع، ٢٠٠٨ م.
٩. الرواشح السماوية في شرح الأحاديث الإمامية، محمد باقر بن شمس الدين بن محمد حسيني استرآبادي (ميرداماد) (ف ١٠٤١ ق)، الطبعة الأولى: قم، ١٣١١ ق.
١٠. شرح ديوان منسوب به أمير المؤمنين علي بن أبي طالب (ع)، قاضي كمال الدين ميرحسين بن معين الدين ميبدى يزدى (ف ٩٠٩ ق)، مقدمه و تصحيح حسن رحمانى وسيد ابراهيم اشك شيرين، تهران: مركز پژوهشى ميراث مكتوب، ١٣٩٠ ش / ١٤٣٢ ق.
١١. عيون الاخبار، أبو محمد عبد الله بن مسلم بن قتيبة الدينوري (ف ٢٦٧ ق)، حققه

- وصححه يوسف علي طويل، بيروت، دارالكتب العلميّة، ١٤١٨ ق.
١٢. فهرستواره دست‌نوشته‌های ایران (دنا)، به کوشش مصطفی درایتی، چاپ اول: تهران، کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، ١٣٨٩ ش.
١٣. فهرستگان نسخه‌های خطی ایران (فنخا)، به کوشش مصطفی درایتی، چاپ اول: تهران، سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران، ١٣٩١ ش.
١٤. فهرست کتابخانه بزرگ حضرت آية الله العظمى مرعشى نجفى، سيد محمود مرعشى، با همکارى محمد حسين امينى، چاپ اول: قم، ستاره، ١٣٨٨ ش / ١٤٣٠ ق.
١٥. فهرست نسخه‌های خطی مرکز احیاء میراث اسلامی، سيد احمد حسينى اشکورى، چاپ اول: قم، ستاره، ١٣٧٧ ش / ١٤١٩ ق.
١٦. فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد دانشگاه تهران، محمد تقى دانش پژوه (ف ١٣٧٥ ش)، مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، ١٣٤٠ / ١٣٥٧ ش.
١٧. كتاب القوافي، أبو الحسن سعيد بن مسعدة الأخفش (ف ٢١٥ ق)، تحقيق: العزة حسن، مطبوعات مديرية إحياء التراث القديم (وزارة الثقافة والسياحة والإرشاد القومي).
١٨. المحصول، فخر الدين أبو عبد الله محمد بن عمر الرازي (ف ٦٠٦ ق)، تحقيق: طه جابر فياض العلواني، الطبعة الثالثة: بی م، مؤسسه الرساله، ١٤١٨ ق، ج ٦.
١٩. الموضوعات، رضي الدين الحسن بن محمد الصغاني الحنفي (ف ٦٥٠ ق)، تحقيق نجم عبد الرحمن خلف، الطبعة الثانية: دمشق، دار المأمون للتراث، ١٤٠٥ ق.



